

# اعتیاد پژوهی تطبیقی در ادیان و مکاتب



ویژه نامه ادیان ۳ - بهار ۹۸

موسسه هم اندیشی جهانی راه برتر در راستای اهداف پژوهشی و تحقیقاتی خود، پروژه پژوهشی جدیدی با عنوان «اعتیاد پژوهی و ادیان» در دست تدوین دارد. در این پروژه قصد داریم آموزه های ادیان و آیین های پررهورو نظیر اسلام، مسیحیت، یهودیت و بودیسم در باب معضل اجتماعی اعتیاد را مورد بررسی قرار داده و از این رهگذر شناخت دقیق تری از رویکردها، برداشت ها و راهکارهای این مذاهب در قبال اعتیاد ارائه کنیم. اهمیت این پروژه زمانی مشخص می شود که تأثیرات و ظرفیت های این آیین ها در امر پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر / محرک مد نظر قرار گیرد.

از سوی دیگر شناخت اشتراکات مذاهب در امر پیشگیری نیز می تواند به ارتقای هم فهمی پیروان ادیان متفاوت کمک کرده و در راستای صلح و گفتمان مشترک جوامع مدنی کشورهای مختلف نیز منجر شود. به بیان دیگر می توان چگالی و ظرفیت نمادها و معارف مذهبی را به استخدام پیشگیری از اعتیاد درآورد و این امر که هم راستا با سعادت بشری است، به مثابه نقطه عزمی برای هم فهمی بیشتر میان پیروان آنها قرار داد.





# اسلام، نیت و تصمیم در ترک مواد

در اسلام نیت و اراده بیش از فعل مورد تأکید است. اساساً آنچه که از اهمیت وافری برخوردار است اراده و تصمیم در ذهن و دل است؛ چراکه موتور محرکه عمل، اراده است. همچنین عمل و فعل سراسر در اختیار انسان نیست و ممکن است تحت تأثیر شرایط بیرونی و محیطی قرار گیرد؛ این در حالی است که تصمیم، نیت و اراده تابع محض شرایط بیرونی نیست و سراسر در اختیار انسان است. به همین دلیل است که در سنت اسلامی گفته شده است: «الاعمال بالنیّات». بنابراین حتی نیت و تصمیم شخص چنانچه مثبت باشد اجر در پی دارد. با این مقدمه می‌توانیم دریابیم زمانی که یک فرد معتاد اراده کرده و تصمیم به ترک گرفت همان لحظه وی قدم در راه بهروزی، رضای خدای متعال و سلامتی خود قرار گرفته است. به همین جهت است که بر مبنای تعالیم اسلامی، زمانی که معتاد تصمیم گرفت که سوء مصرف مواد را ترک کند، باید مورد حمایت مادی و معنوی و همچنین تشویق قرار گیرد و بر تقویت این تصمیم و اراده بیفزاید تا به عنوان یک هدف مهم آن را دنبال کند؛ زیرا اساس مذهب رشد و تعالی در ساحت مادی و معنوی توامان با یکدیگر می‌باشد. (قد تبین الرشد من الغی ...، بخشی از آیت الکرسی). لذا نیت و اراده انسان‌ها به سمت یک زندگی سالم، بایستی مورد حمایت جامعه قرار گیرد. شخصی که تصمیم به ترک گرفته از نظر مذهب مورد حمایت است و به دیده احترام به وی نگاه می‌کنند. به منظور تقویت اراده و باقی بودن بر این بینش، راهکارهای ذیل از نظر مذهب توصیه می‌گردد:

- حمایت‌های مادی و معنوی (اقوام، دوستان، تصمیم‌سازان دولتی بوسیله تبلیغات).

- همنشینی و دلجوئی از وی.

- یادآوری مکرر توانمندیها و ارزشهای انسانی وی.

- سوق دادن ذهن او به خدا و اولیائش (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)

رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛ شما همه ناظر و راهبر و نسبت به یکدیگر مسئول هستید. مذهب علاوه بر بکار گرفتن چهار اصل فوق، اصل مراقبت را تا حصول نتیجه نهایی بسیار مورد تأکید قرار می‌دهد. دستگیری نیازمندان و کمک کردن به آنها از شاخصه‌های جامعه اسلامی مطلوب است. همچنین در مورد خویشاوندانی که با این بلای خانمانسوز دست و پنجه نرم می‌کنند نیز اصل اسلامی صله رحم می‌تواند بسیار راهگشا باشد که از نشانه‌های ایمان در جامعه است. لذا یک مسلمان برای اینکه آفت‌های اجتماع دوباره به سراغ هم نرود، با او معاشرت کرده و از او حمایت می‌نماید و پیوسته نگران حال اوست. مذهب به مثابه مراقب دلسوزی است که پیوسته در صدد جهت‌دادن افراد منحرف به سمت فطرت و طریقه حق می‌باشد.



# برنامه دوازده گام در یهودیت



برنامه های دوازده گام، مجموعه اصول راهنمایی برای بهبودی از اعتیاد و رفتارهای وسواسی بعد از آن است که با جهت گیری روحانی و معنوی بر پایه اقرار فرد به ناتوانی و پذیرش کمک از یک نیروی ماورایی و برتر شکل گرفت. این برنامه ابتدا در سال 1953 در زمینه اعتیاد به الکل مطرح و بعد از آن انجمن های مشابه دیگری برای درمان اعتیاد به انواع مواد مخدر در سراسر دنیا به وجود آمد. بر اساس اصول دوازده قدم، اعتیاد یک بیماری است، و به عنوان یک عارضه ای بر جسم و روح شخص تحمیل شده و با توجه به نوع ماده مصرفی و جنسیت افراد اثرات ویران کننده ی متفاوتی دارد. برنامه های دوازده قدمی بر این باورند که در نتیجه اعتیاد سه بعد جسمی، روحی و روانی تحت تاثیر قرار می گیرد؛ از این منظر بهبودی فرد معتاد نیاز به بهبودی روحی و روانی نیز دارد.

دین و آموزه های مذهبی از چنان شاکله ای برخوردارند که می تواند در فرد ایجاد انگیزه کند. در سال های اخیر برنامه های دوازده گام به طور گسترده ای در میان جامعه یهودیان و پیروان این آیین مورد پذیرش قرار گرفته و بحث های فراوانی در مورد اینکه چطور می توان برنامه های دوازده قدم را با رویکرد دین و مذهب توسعه داد، شکل گرفته است. این برنامه ها طیف گسترده ای از سوء مصرف مواد مخدر، اعتیاد به قمار، اعتیاد به الکل و اینترنت را دربرمی گیرد.

برنامه های دوازده گام را می توان با استفاده از آموزه های تورات نیز نشان داد. اولین آموزه: «کسی را دوست داشته باش که در او تصویر الهی خلق شده است.» این مفهوم بر اساس نظریه روان شناختی از طبیعت انسان تبیین شده، در این معنا، زمانی که انسان تصویر و درک الهی را در وجود خود داشته باشد، منجر به ایجاد عزت نفس مثبت می شود و این امر بیشتر از همه در مورد افراد معتاد اهمیت دارد. چرا که عزت نفس پایین منبع عمده ی اعتیاد به شمار می رود. هدف مهم در درمان اعتیاد باید بهبود عزت نفس فرد معتاد باشد. در فصل اول تورات تاکید شده که انسان با تصویر و درک الهی خلق شده است، خداوند انسان را با تصویری از خودش می آفریند، زن و مرد هر دو با چنین تصویری آفریده می شوند!

بر اساس این آموزه تورات، هر فرد صرفنظر از دستاوردهای فعلی و مشکلات پیش رو، دارای پتانسیل و ارزش ذاتی منحصر به فردی است که ناشی از تصویر و نوری از خداوند که در وجود همه تاییده شده است. همین تصور حقیقت اساسی را در جامعه معاصر نمایان می کند و آن اینکه، دستاوردها و مشکلات هر انسانی می تواند بر اساس میزان اعتماد به نفس او سنجیده شود؛ بر اساس آموزه های تورات، روح در اصل و بر اساس ذات خود که بازگشت به سوی خداوند است، پاک باقی می ماند. از این رو باید با درمان اعتیاد، این حقیقت را در ناخودآگاه فرد درونی کرد که عزت نفس بالا می تواند فرد را دوباره بازسازی کند.

یکی از اصول برنامه های دوازده گام این است که فرد معتاد اقرار به بیماری خود کند، به عنوان مثال، «من جان هستم، من معتاد هستم، ده ساله که بهبود یافته ام.» بر اساس آموزه های تورات می توان گفت، من یک یهودی هستم که تصویر و نور الهی در من زاده شده است. وقتی یک فرد معتاد یهودی چنین جمله ای را به زبان می آورد، او یک ذات مستقل و مثبت را در خود بازشناسی می کند که می تواند کمک زیادی به بهبودی کند. از این منظر در حالی که فرد معتاد هرگز نباید فراموش کند که یک بیمار مزمن است، در عین حال نباید تنها خودش را در شرایط یک بیمار تعریف کند؛ بلکه باید بداند درون او نوعی تلنگر و جرقه الهی وجود دارد که می تواند روشنی بخش ذات و افکارش باشد!





## به سوی الهیات مسیحی اعتیاد

در نوشتار پیش‌رو درصددیم به سوی نوعی «الهیات مسیحی اعتیاد» حرکت کنیم که به کلیسا کمک می‌کند تا روش‌های جدیدی را برای آزادسازی اجتماعی معتادان فرموله‌بندی سازد. ایده الهیات اعتیاد ممکن است ابتدا به ساکن کمی عجیب به نظر آید. چنانچه الهیات را در معنای محدودتر و تخصصی‌ترش مراد کنیم، به گزاره‌هایی اطلاق می‌شود که درباره خداوند هستند. در چنین شرایطی ممکن است این سوال که آیا اصولاً خداوند اعتیاد را مجاز می‌شمارد یا نه به ذهن خطور کند. اما چنانچه مفهوم بسیط‌تر و گسترده‌تری از الهیات را مبنا قرار دهیم، الهیات درک انسانیت و روابط آن با خداوند را نیز دربرخواهد گرفت. اگر معنای الهیات را تا این میزان توسعه دهیم، شامل تدوین وضعیت انسان نیز خواهد بود و در نتیجه الهیات مسیحی اعتیاد به بررسی تعریف اعتیاد و چند و چون تأثیرپذیری آن بر انسان می‌پردازد.

به طور تاریخی، به مصرف فزاینده الکل و نیز دیگر مواد به عنوان یک مسئله رفتاری و البته گناه نگریده می‌شود. واکنش طبیعی به اعتیاد، موعظه کردن علیه سوء مصرف است. این رویکرد مشابه اقدامات اولیه سازمان‌هایی نظیر «سپاه رستگاری»<sup>۷</sup> است که «نهاد دستگیری در جلوگیری از اعتیاد»<sup>۸</sup> بخشی محوری از هویت آن بوده. بسیاری از متون کتاب مقدس وقف چنین رویکردی شده و هشدارهای صریحی را درباره خطرات مصرف الکل ارائه کرده است (نگاه کنید به Pro ۲۰:۱؛ Isa ۵:۱۱؛ Cor ۱ ۵:۱۱؛ Eph ۵:۱۸).

برخلاف این نگاه اما بیشتر متخصصان حوزه سلامت روان و پزشکان اعتیاد را یک بیماری می‌دانند. بدین ترتیب اعتیاد پدیده‌ای نیست که بتوان با موعظه در برابر آن ایستاد. چندانکه برای مثال هیچکس در برابر ذات‌الریه و یا سرطان موعظه نمی‌کند. در واقع درمان اعتیاد به عنوان یک بیماری باید از رهگذر امکانات پزشکی و تغییرات فیزیولوژیک روی دهد. اعتیاد معضلی است که معتاد بر آن کنترلی ندارد و بنابراین گناه خواندن تمنای نوشیدن و یا مصرف مواد در این رویکرد غیرسازنده و بی‌فایده است.

برخی از مشاوران مسیحی - به ویژه انجیلی‌ها - در برابر این ایده که اعتیاد باید یک بیماری انگاشته شود ایستادگی می‌کنند. برای مثال «ادوارد ولچ» استدلال می‌کند مدل بیماری، استعاره<sup>۹</sup> مفیدی برای درک اعتیاد است، اما گاهی ما در استفاده از طبیعت درست آن دچار خطا می‌شویم و معنای تحت‌اللفظی آن را مراد می‌کنیم. او سپس به عنصر انتخاب اشاره می‌کند که فرد را به سوی اعتیاد سوق می‌دهد و این مفهوم را به مثابه نشانه‌ای برای ناکافی بودن مدل بیماری برای پدیده اعتیاد منظور می‌کند. ولچ همچنین کاربرد از استعاره بت‌پرستی برای فهم این موضوع پیش می‌کشد و می‌گوید گناه را عامل ریشه‌ای اعتیاد می‌بیند.

این مسئله که اعتیاد بیماریست یا گناه تا حدی یک دوگانه جعلی<sup>۱</sup> است. ولچ و دیگر افرادی که بر گناه‌گرایی اعتیاد تأکید می‌کنند، عمدتاً گناه را برابر با کنشی می‌دانند که اخلاقاً نادرست باشد. آن‌ها با وجود اینکه اعتراف می‌کنند گناه امریست که کل وجود ما را تحت الشعاع قرار دهد، اما تأکید اصلی‌شان بر کنش‌های افراد و انتخاب‌های فرد معتاد است. در نظر آن‌ها اصولاً انسان‌ها گناهکاراند زیرا ما مرتکب گناه می‌شویم.

اگرچه کتاب مقدس نیز درباره مفهوم گناه همین نظر را دارد، اما اصولاً تعریف گناه را زمینه شرایط انسان گره زده و گسترده‌تر می‌کند. در این دیدگاه گناه عبارت از خطایی است که همه ما و کل آفرینش را تحت تأثیر خود قرار دهد. این برداشت اغلب از طریق استعاره هبوط<sup>۱</sup> (Gen ۳؛ Rom ۵) یا مفهوم سنت آگوستینی<sup>۲</sup> «گناه نخستین<sup>۳</sup>» توضیح داده می‌شود. طبق این برداشت گناهکار بودن ما از این ناشی نمی‌شود که مرتکب گناه می‌شویم، بالعکس ما مرتکب گناه می‌شویم زیرا گناهکاریم (اشاره به ارتکاب به گناه نخستین توسط آدم و حوا). در واقع ما انسان‌ها همچنان مرتکب گناه می‌شویم زیرا هنوز «مردمی جداافتاده از اصل<sup>۴</sup>» هستیم.

ما آفریده شدیم تا به مسیر واحدی برویم اما برعکس، واقعیت وجودیمان را با وجوهی متفاوت از آنچه برایمان تقدیر شده بود یافتیم. درست مانند یک خودرو با پدالی که در حالت توازن قرار دارد و گاهی اوقات به سوی صراط مستقیم رانده می‌شود، اما بارها به سوی طرفین منحرف می‌شود - همانطور که ما نیز گاهی منحرف می‌شویم. در واقع همان افرادی که گاهی به مسیر درست می‌روند، همواره در معرض لغزش قرار دارد. همانطور که پولس مقدس در نامه به رومیان<sup>۵</sup> بیان می‌دارد:

من میل دارم که آنچه درست است را انجام دهم، اما توانایی انجام این کار را ندارم. زیرا عمل خوبی که می‌خواهم را انجام نمی‌دهم، اما مدام عمل شری که نمی‌خواهم را انجام می‌دهم. اکنون اگر آنچه نمی‌خواهم را انجام می‌دهم، این من نیستم بلکه گناه است که مقیم وجود من شده.

گناه به عنوان شرایطی که انسانیت را تحت الشعاع قرار می‌دهد، در واقع عاملی است که بیشتر مسائل ما - چه به صورت فردی و چه به صورت اجتماع محور - براساس آن تعریف شده و معنا می‌یابند. گناه نه تنها باعث می‌شود کارهای اشتباه انجام دهیم، بلکه همه امراض جسمانی و محدودیت‌ها نیز ناشی از آن هستند. حتی روابط ما با طبیعت نیز از جادرامده و ناقص است، زیرا خداوند پس از هبوط انسان زمین را نفرین کرده است (جنسیس). گناه، مرض است؛ شری که ما مرتکب آن می‌شویم و تجربه می‌کنیم صرفاً نشانه این مرض هستند.



## زرتشت، آزادی اراده در نزاع با وابستگی

زرتشت سپنتمان پسر «پوروشسب» و «دغدو» در محلی در خاور ایران در نزدیکی «ونگهوتی دارتیا» به دنیا آمد. در هفت سالگی به فرا گرفتن علم و حکمت پرداخت و مدت تحصیل او هشت سال دوام یافت. او پس از انجام امور داوطلبانه در حمله تورانیان به این با «هووی» نامی ازدواج کرد. با وجود زندگی نسبتاً مرفهی که زرتشت داشت، روح او با دیدن ظلم و بی نظمی در جوامع بشری ناراحت بود و تفکر پیرامون مسئله خیر و شر و راز وجود اغلب اوقات او را می گرفت. سر انجام او به مأموریت عالی و تاریخی خود که ایجاد یک رستاخیز معنوی در ایران بود پی برد و در سی سالگی به کوه سبلان رفت و مدت ده سال در حال انزوا زیست تا این که به گوهری که سال ها در جستجویش بود دست یافت. او پس از بازگشت از کوه سبلان به رغم مخالفت روحانیون زمان با اندیشه هایش با ارائه بحث های استدلالی قوی توانست تعالیم خود را مبنی بر یکتا پرستی در میان مردم و شاه زمانه خویش ترویج بدهد.<sup>۱۶</sup>

بزرگترین مزیت آئین زرتشت این است که بر خلاف اصول مسیحیت غیر عملی نیست. به عنوان مثال، زرتشت نمی گوید «با بدان نیکی کن» و یا «با بدی به سازش بپرداز» بلکه برعکس اکیداً دستور می دهد با بدی بی-رحمانه مبارزه کن و بر دشمنانت چیره شو. آئین زرتشت، آئین سلحشوری و بی باکی است. آئینی است که در تمام مراحل حیات می تواند راهنمای خطاناپذیر آدمی باشد.<sup>۱۷</sup>

یکی از برتری های آئین زرتشت این است که او آدمی را آدمکی مصنوعی در یک دستگاه عظیم مکانیکی نمی-داند، بلکه همه افراد را مسئول افعال و گفتار خویش می داند. در نظر زرتشت هر کس خداوند مقدرات خویش است. هرکس خودش تار و پود زندگانی خود را می بافت و آن را با اطلسی زیبا و گران بها و یا پارچه کتابی بی قیمت و مبتذل مبدل می سازد!<sup>۱۸</sup> در چنین جهان بینی، انسانی که به ورطه اعتیاد کشیده می-شود نه به واسطه جبر در این گرداب گرفتار شده است، بلکه خود با اراده و آگاهی کامل این مسیر را انتخاب کرده است. لذا تصمیم گرفته بر زندگانی خود پارچه بی ارزش و بی بهای وابستگی به مواد را بیوشاند و طوق بندگی افیون را به دست خویش تن بر گردن آویخته است.

انسان می‌تواند با افکار، اعمال و گفتار بد، دوزخی برای خود و دیگران درست کند و همچنین می‌تواند با افکار، گفتار و کردار نیک، بهشتی به وجود آورد. نتیجتاً فردی که به دام اعتیاد می‌افتد، با عمل خود نه تنها جهان خویشتن را تبدیل به دوزخی تحمل‌ناپذیر می‌کند، بلکه اطرافیان، خانواده و دوستان خود را نیز به ناچار مجبور به ورود به این دوزخ می‌کند. حلقه اطرافیان و به‌ویژه خانواده یا تصمیم می‌گیرند به فرد معتاد کمک کنند که از چنگال اعتیاد خود را برهاند و یا با طرد او مسیرشان را جدا کرده و از زندان اعتیاد فاصله می‌گیرند. طلاق های عاطفی و جدایی همسران افراد معتاد نمونه ای بارز از چنین اقدامی است.

چنانچه اقدام به مصرف مکرر مواد را گناهی زشت تلقی کنیم، زرتشت دستور می دهد که برای رهایی از مصائب، فرد می بایست اراده خود را چنان تربیت کند که فقط خیر و نیکی را بطلبد و از هرگونه زشتی و تبهکاری به شدت گریزان باشد زیرا این اراده است که سکان کشتی حیات ما را می چرخاند. بنابراین در چنین دیدگاهی، نوع سرنوشت ما بستگی دارد به نوع ارائه ما. سرنوشت های پست همچون کشیده شدن به باتلاق اعتیاد محصول اراده ای پست و سرنوشت های از نوع احیا شده محصول اراده ای راسخ و تربیت یافته است. به قول صائب: «نیست تقصیر فلک گر شب ما بی سحر است».<sup>۱۹</sup>



از آنجایی که در رویکرد زرتشت، نجات و رستگاری شخص در دست خود است، تنها راه حل نجات فرد وابسته به مواد نیز کوشش شخصی وی و اقدام مصمم به ترک وابستگی و قطع استمرار مصرف به مواد است. در آئین زرتشت، اراده انسان بسیار قوی تر از قوای ظلمانی گناه است. بنابراین تسلیم در برابر اعتیاد ناشی از اراده‌ای متزلزل و سست است. از آنجایی که نیل به رهایی از معصیت و گناه، تنها در دستان قدرتمند اراده نهفته است، وابستگی به مواد نیز می‌تواند درمان پذیر باشد. انسان وابسته می‌تواند از موهبت آزادی اراده استفاده کند و زندگی خود را به سرودی دل انگیز با رهایی از اعتیاد تبدیل کند و یا در حزن‌نازنی جاودان (وابستگی به مصرف تا دم مرگ) محبوس بماند.

مصرف مواد در آئین زرتشت می‌تواند مصداق گناهی بزرگ باشد، چرا که هم به نوعی زیاده‌روی است و هم به ترویج فحشا می‌انجامد. از سوی دیگر نیز به دلیل آسیب پذیری بالای مصرف کننده در برابر بیماری‌های واگیردار نظیر هپاتیت سی و ویروس اچ ای وی می‌تواند مصداق عدم رعایت مقررات بهداشتی تلقی شود که خود گناه کبیره دیگری در این آئین است.

## منابع

۱- مجموعه دستورات زبانی و بدنی یهودیت که در تورات آمده است.

۲- مراسمی است در یهودیت که طی آن پسران و دختران یهودی که به سن تکلیف رسیده اند آن را جشن می‌گیرند.

۳- Professor Yaffa

۴- Dr Walter Wurzburger

۵- <https://www.oztorah.com/08/2007/Bdrugs-judaism/#.XGuui7Iz>

۶- <https://myjewishlearning.com/article/treating-addiction-with-jewish-values>

۷- The Salvation Army

۸- ministry to addicts

۹- Metaphor

۱۰- False Dichotomy

۱۱ the metaphor of the fall

۱۲- St. Augustine

۱۳- Original sin

۱۴- broken people

۱۵- Romans

۱۶- هرین، مهرداد (۱۳۵۷). فلسفه شرق. تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطائی.